



ویژه نامه سال روز میلاد حضرت امیرالمومنین علی (ع) شماره (۱)

«خداوند علی (ع) را آفرید...»

...جمعه بود، و سیزدهم ماه رجب از سال دهم قبل از بعثت. جهان با لحظه حساس تاریخ خود، هنوز ده سال فاصله داشت، باید این لحظه حساس با بعثت رسول خدا تکوین یابد و نقطه عطفی در تاریخ بشریت بوجود آورد. نقطه‌ای که دنیای کهنه و فرسوده را از دنیای جدیدش جدا کند. خداوند در تدارک مقدمات این جهش تاریخی بود.

جهان به سوی سرنوشت خود به پیش می‌رفت. سرنوشتی که قلم قضای الهی تحولی درخشان بر آن ترسیم کرده بود. بنا بود این تحول با دست توانای پیغمبر بنیان‌گذاری شود، و در عین حال مردی نیرومند لازم بود که این تحول را جاودان سازد. مردی که با اصول و فروع، کلیات و جزئیات این تحول را در وجود خویش تجسم دهد.

مردی که این صلاحیت و شایستگی را داشته باشد که بگوید: «من قرآن ناطقم».

«قرآن و علی لازم و ملزوم یکدیگر»

قرآن برنامه تحول بود و خدا آن را از آسمان بر محمد (ص) فرو فرستاد ولی خاصیت روح بشر این است که بیش از آنچه که اسیر گوش است، اسیر چشم است، شنیدنی‌ها در مزاج روحی بشر اثر می‌کنند، ولی دیدنی‌ها اثری بیشتر و قاطع‌تر دارند.

پیغمبر با زبان قرآن تحول را بیان کرد و این که مردی لازم است که قرآن را در وجود خویش تجسم دهد تا مردم آن را که شنیده‌اند ببینند. قرآن از عدالت سخن می‌گفت. و این علی است که باید این عدالت را در همان سطحی که خدا خواسته، در وجود خویش تجسم دهد؛ باید جهان و جهانیان، اصولی را که اسلام برای مردم بیان داشته، در سیمای زندگی علی به صورتی زنده و برجسته مشاهده کنند.

محمد برای ایجاد تحول و در راه تربیت انسان‌ها به دو عامل، نیاز قطعی داشت، یکی قرآن و دیگری علی. و این خود پیغمبر است که همیشه این دو را با هم نام می‌برد. می‌گفت: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی» «من می‌روم ولی دو گوهر گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم، یکی قرآن و دیگری عترت»؛ و علی شاخص‌ترین فرد عترت بود.

محمد داشت مراحل کمال خود را می‌پیمود، لازم بود ده سال دیگر بگذرد، تا او موفق به تسخیر آخرین قله کمال شود؛ تا آماده بعثت گردد. وجود محمد زمینه نزول قرآن را فراهم می‌کرد و در عین حال باید به موازات آن زمینه پیدایش انسانی که قرآن را در خود تجسم دهد، نیز فراهم شود، و خداوند در تدارک این مقدمات بود.

«مولود کعبه»

آن روز، جمعه بود، و عرب جمعه را احترام می‌کرد و نیز ماه رجب را. بت‌های کعبه در این ماه و مخصوصاً در روزهای جمعه‌ی این ماه، مشتری بیشتری داشتند.

و آن روز نیز که روز جمعه سیزدهم ماه رجب بود در اطراف خانه کعبه ازدحام عجیبی برپا بود. در این جمع تنها یک زن بود که به جای عبادت بت، خدا را عبادت می‌کرد، شرک و کفر بر روحش سایه نینداخته بود. او دین حنیف داشت، همان دین جدش «ابراهیم خلیل الرحمن»، و او نیز در اطراف خانه خدا طواف می‌کرد، و از خدا می‌خواست تا وضع حملش را آسان کند.

او «فاطمه» دختر «اسد بن هاشم» بود و فرزندش را به بار داشت. و تقدیر چنین بود که این فرزند تولدی مبارک و استثنایی داشته باشد... تولد در خانه خدا...

فاطمه با خدا راز و نیاز می‌کرد. ناگهان در خود احساس دردی شدید کرد، دردی که فاطمه آن را به خوبی می‌شناخت، آخر این پنجمین حمل او بود، او قبلاً چهار بار دیگر این درد را در خود احساس کرده بود. فاطمه مضطرب و پریشان شد، او در میان جمعیت غوطه می‌خورد و طواف می‌کرد، پس از این احساس از طواف باز ایستاد ولی موج جمعیت او را به این سو و آن سو

می‌کشاند. و درد هر لحظه شدیدتر و شدیدتر می‌شد.

چه می‌دانست که خدا چه سرنوشت افتخارآمیزی برای او و نوزادش رقم زده است.

فاطمه به دنبال پناهگاهی می‌گشت، مأمنی که او را از چشم مردم پنهان کند، و سرانجام آغوش گشوده کعبه را در برابر خود دید. فاطمه قدم به درون خانه کعبه گذارد. و این تقدیر الهی بود که مرد خدا در خانه خدا قدم به صحنه حیات پرافتخار خود بگذارد. نامش را «علی» نهادند.

﴿میلادعلی (ع) وتولد عدل﴾

با علی، موجودی دیگر نیز موجودیت گرفت، موجودی عزیز، گرانبها و بس کمیاب. همان چیزی که باید راز سعادت جامعه‌ها را در آن جست، و در آن هنگام جوامع سخت از آن نهی شده بودند، جهان، «عدل» را نه می‌فهمید و نه می‌شناخت. میلاد علی با تولدی دیگر همراه بود؛ تولد عدل...

علی توجیه‌کننده عدل و نشان‌دهنده عالی‌ترین مظاهر آن بود. دنیا از روزنه وجود علی به شناخت عدل توفیق یافت و از آن بالاتر معنای انسانیت را شناخت. انسانیتی که عدل یکی از شاخه‌های آن است.

علی شاگرد مکتب محمد (ص) و بزرگ معلم بشریت

باز هم اینجاست که علی را می‌بینیم که بسان معلمی بزرگ و آزموده به تعلیم انسانیت می‌پردازد. و خطوط آن را در لوح زندگی خویش در برابر دیدگان بشریت می‌گذارد. و این تعلیم را از همان دوران کودکی شروع کرد. کودک بود، ولی هرگز تحت تاثیر شرایط غلط موجود قرار نگرفت. و این نخستین درس مکتب اوست؛ تهی شدن از تاثیرات غلط جامعه.

جامعه او بت می‌پرستید، ولی او با همان مغز کودکانه‌اش دریافت که سرّ دهر و راز طبیعت را نمی‌توان با «بت» تفسیر کرد. او از مطالعه کتاب طبیعت در همان کودکی به شناخت «الله» توفیق یافت. و این شناخت، بزرگ‌ترین و حساس‌ترین نقش را در زندگی او عهده‌دار شد.

چیزی نگذشت که نشانه‌هایی از نور الهی را در وجود شخصیتی به نام محمد (ص) تشخیص داد و در این نور جاذبه‌ای بس شدید یافت. به سوی آن کشش پیدا کرد و از سن هشت سالگی رسماً و به طور شبانه روز در کنار آن نور که در وجود «محمد» تجسم یافته بود، قرار گرفت. دو سال دیگر هم گذشت و آن نور سرانجام «محمد (ص)» را به آخرین قله کمال رساند. او پیغمبر شد، دارای مکتبی آسمانی و الهی. و علی ایده خود را در این مکتب به صورتی روشن و بارز مشاهده کرد. آنچه را که قبلاً خود به طور مبهم دریافت کرده بود، اکنون با تالوثی پردرخشش و زنده و گویا در مکتب آسمانی «محمد (ص)» می‌دید. به آن ایمان آورد، ایمانی بالاتر از عشق. و همین عشق و نیروی خلاق و آسمانی آن بود که علی را به صورت بزرگ‌ترین فداکار اسلام و آئین جدید در آورد.

علی که نقشی جاودانه از خدا و نشانی ماندگار از عدل در سینه نورانی خود داشت پرچم این مکتب را بردوش گرفت. با این پرچم و با سرمایه همان عشق، خود را به جبهه مخالفین عدل زد و جلو رفت، و راه را برای پیشروی آئین اسلام باز کرد.

۱۰ رجب میلاد با سعادت مولود مبارک، نهمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت

حضرت امام محمد تقی؛ جواد الاثمه (ع) بر همه مسلمانان مبارک باد.

۱۰ رجب سالروز ولادت کوچک سرباز کربلا، باب‌الحوایج حضرت علی اصغر (ع) بر شما مبارک باد.

ادامه دارد....